

بررسی حقوق زنان در ابعاد مختلف از دیدگاه اسلام و امام خمینی

□ دکتر مرضیه مختاری پور (استاد یار دانشگاه اصفهان)
□ دکتر سید علی سیادت (دانشیار دانشگاه اصفهان)

مقدمه

با مطالعه تاریخ، نادیده انگاشتن حقوق انسانی و اجتماعی زنان و ظلم و ستم نسبت به آنان را در طی قرون مختلف و هم چنین در مقاطعی از زمان، پیشرفت های مثبتی در جهت رفع تبعیض و ظلم و ستم از آنان را ملاحظه خواهیم نمود. بحث در خصوص حقوق زنان در دوران اخیر از نهضت حقوق زنان در غرب در قرن بیستم آغاز و وارد مرحله جدید، بحث انگیز و مجادله آمیزی حتی در داخل خود کشورهای غربی شد. این جنبش ها به جنبش های فمینیستی معروف هستند. انواع نگرش های فمینیستی، ستمدیدی زنان را مساله اصلی دانسته و صاحب نظران بسیاری معتقدند جنبش حقوق زنان علی رغم توفیقات و خدمات بسیارش در خصوص طرح مسایل زنان و احقاق حقوق آن ها به صورت عملی گرفتار تفریط و اشتباهات خطرناکی نیز شده است. به طور کلی مساله حقوق زنان که از منظرهای گوناگون بدان نگریسته می شود، صف بندی های ویژه ای را ایجاد می کند. در این مقاله، حقوق زن از دیدگاه اسلام و امام خمینی مورد بررسی قرار می گیرد.

ظهور اسلام و نجات زنان

زن در عصر جاهلیت قبل از اسلام دارای هیچ گونه ارزش انسانی و اجتماعی نبود، به طوری که تنها وظیفه او خدمت به مرد و به دنیا آوردن فرزند پسر برای شوهر بود. در جهالت و گمراهی این مردم و ذلت زن همین بس که اگر زنی، دختری به دنیا می آورد، گذشته از اینکه خود مورد کینه مرد قرار می گرفت و دیگران از او کناره می گرفتند و مدتها به زندگی در انزوا



محکوم می شد، در مواردی حتی فرزند دخترش را زنده به گور می کردند و مادر هیچ گونه حق یا جرأت اعتراض در دفاع از فرزندى که ماهها برای پرورش او در رحم متحمل رنج و سختی شده بود، نداشت.

امام خمینی موقعیت اسفبار زن را در عصر جاهلیت مورد اشاره قرار داده، منتی را که اسلام بر این قشر دارد، گوشزد می نماید: "در جاهلیت زن مظلوم بود و اسلام منت گذاشت بر انسان، زن را از آن مظلومیتی که در جاهلیت داشت، بیرون کشید. مرحله جاهلیت، مرحله ای بود که زن را مثل حیوانات بلکه پایین تر از او، زن در جاهلیت مظلوم بود. اسلام زن را از آن لجنزار جاهلیت بیرون کشید." (صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۳۸).

در میان یهودیان زن جزئی از ارث پدر به شمار می آمد، تولد یک پسر جشن و سرور به همراه داشت، ولی تولد یک دختر غم و اندوه به همراه می آورد.

در میان مسیحیان، در دوره رواج رهبانیت و زهد افراطی، فحشا گسترش زیادی پیدا می کند تا جایی که لوتر برای اصلاح انحرافات کلیسا به پا می خیزد. زن در بعضی از جوامع از حق استقلال حیات نیز محروم و حیات او به حیات شوهر وابسته بود به طوری که پس از مرگ شوهر دیگر حق زندگی نداشت. چنانکه در بسیاری از جوامع پیشرفته در گذشته و حال، زن نسبت به اموال خویش نیز، هیچ گونه حق تصرف نداشته است. (ورعی ۱۳۷۸)

اسلام با ظهورش، غبار غلیظ مظلومیت و ذلت را از این مخلوق الهی و شریک مرد در زندگی پاک کرد و به طرق مختلف کرامت ذاتی زن را آشکار ساخت؛ سنن جاهلی و رفتارهای غیر انسانی با زنان را تقبیح نمود و آنان را به رفتار نیکو و ادای حقوق انسانی زنان تشویق کرد و موظف ساخت. اسلام، ملاکهای ارزشی را در جامعه دگرگون و معیار فضیلت را تقوا و خویشتن داری در برابر گناه اعلام کرد. قرآن کریم، زنانی شایسته چون حضرت مریم (سلام الله علیها) و آسیه همسر فرعون را معرفی کرد و از ایشان به عنوان زنان صالح و وارسته تجلیل نمود. مهم تراز همه از حضرت زهرا (سلام الله علیها) را به عنوان کوثر یاد کرد و بدین وسیله شایستگی زن را در رسیدن به کمالات معنوی و الگو بودن برای همگان به اثبات رسانید. پیراستن حضرت مریم از

اتهامات ناروای یهودیان، خدمتی بزرگ در حق آن زن لایق، عقیف و وارسته و دفاع از حقوق او بود. تجلیل از آسیه در دربار پادشاهی فرعون با آن جلال و شکوه مادی، ارج گذاری به قدرت و توانایی زن در مبارزه با استکبار و نیل به کمالات انسانی بود. چنانچه معرفی شخصیت والای حضرت زهرا(س) و نقش او در تاریخ اسلام، نشانگر شایستگی زن در عرصه های گوناگون اخلاقی، اجتماعی و سیاسی است (ورعی، ۱۳۷۸).

امام خمینی برای حضرت زهرا(س) شخصیتی جامع تصویر می کند: "تمام ابعادی که برای زن متصور است و برای یک انسان متصور است، در فاطمه زهرا- سلام الله علیها- جلوه کرده و بوده است. یک زن معمولی نبوده است. یک زن روحانی، یک زن ملکوتی، یک انسان به تمام معنا انسان، تمام نسخه انسانیت" (صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۳۷). نقشی که اسلام برای زن در نظام خلقت قایل است، دقیقا منطبق بر فطرت و جایگاه او در نظام آفرینش است. اسلام در عین آنکه مانند مرد برای زن نیز در اجتماع نقش قایل است، اما در میان همه مشاغل مهم ترین شغلی را که برای انسان متصور است، یعنی تربیت را برعهده او نهاده است.

حقوق انسانی زن

زنان باید تمامی حقوق انسانی مترتب بر واقعیت های وجودی خود را دارا باشند. اینکه مردان از حقوق انسانی خود بهره مند باشند اما زنان از حقوق مترتب بر واقعیت های وجودی انسانی و استعداد های نهفته وجودی شان بهره مند نباشند یا به طور ناقص و دست و پا شکسته بهره ای داشته باشند، عین تبعیض و مخالف اصول انسانی و سنت های الهی است. محرومیت زنان از آزادی در زندگی عمومی یا خصوصی در واقع نوعی خشونت علیه آنان است و نه تنها از موانع رشد و پیشرفت زنان است، بلکه سبب رشد نیافتگی جامعه نیز می شود. در زیر به برخی از حقوق مساوی زنان با مردان در ابعاد مختلف اشاره می شود:

۱- انسانیت، عنصر مساوی و مشترک بین زن و مرد

زن و مرد در حقیقت انسانی و آنچه وجه تمایز میان این دو حقیقت با سایر انواع می باشد، هیچ تفاوتی ندارند. هر دو از یک حقیقت سرچشمه گرفته و از یک حقیقت برخوردارند و آن همان



□ زن در عصر جاهلیت قبل از اسلام دارای هیچ گونه ارزش انسانی و اجتماعی نبود، به طوری که تنها وظیفه او خدمت به مرد و به دنیا آوردن فرزند پسر برای شوهر بود

□ اسلام با ظهورش، غبار غلیظ مظلومیت و ذلت را از این مخلوق الهی و شریک مرد در زندگی پاک کرد و به طرق مختلف کرامت ذاتی زن را آشکار ساخت

است که این موجود را از دیگر جانداران جدا می سازد و حقیقت وجودی وی قائم و بسته به آن است. آنچه آدمی را از دیگر انواع جاندار متمایز می سازد حقیقت انسانی او است و آنچه در مرحله تکلیف و مسئولیت، مخاطب قرار می گیرد، همان حقیقت است. به عبارت دیگر همان حقیقتی که آدمی را در مرحله تکوین و شکل گیری حقیقت وجودی وی، اساس هستی او و مایه تمایز او است، همان حقیقت در مرحله تشریح و مسئولیت دهی و پاسخگویی نیز ملاک و مخاطب قرار می گیرد و تکلیف متوجه او می شود و اعضا و جوارح تنها ابزاری برای عمل به تکلیف هستند. قرآن کریم در هر دو مرحله به صراحت تفاوت میان زن و مرد را نفی می کند، هم آنگاه که از جایگاه انسانی زن و مرد در مرحله شکل گیری حقیقت وجودی آن دو سخن می گوید، منشایی مشترک و حقیقتی یکسان را یادآور می شود و هم در مرحله اصل تکلیف و عمل، آن دو را به عنوان عنصر انسانی مخاطب می سازد و در مقام ارزشگذاری و پاداش عمل یکسان می نگرد (لطیفی، ۱۳۷۸). قرآن کریم هر دو نکته را در این آیه جمع کرده است: "یاایهاالناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکریمکم عندا . . اتقیکم" (سوره حجرات، آیه ۱۳). این آیه اشاره دارد به خاستگاه آدمیان که همه از یک نر و ماده آفریده شده اند و ملاک ارزشگذاری و برتری آنان تقوا می باشد.

این همان حقیقت و اصل است که حضرت امام خمینی بر آن تاکید دارد. آنجا که می فرماید: "تاریخ اسلام گواه احترامات بی حد رسول خدا- صلی الله علیه و آله- به این مولود شریف

[حضرت فاطمه (س)] است تا نشان دهد که زن بزرگی ویژه ای در جامعه دارد که اگر برتر از مرد نباشد کمتر نیست". (صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۳۱۶)

قرآن کریم نه تنها بریکسانی میان زن و مرد در حقیقت انسانی تاکید دارد، بلکه اساساً آن را یکی از آیات الهی همچون آفرینش آسمان ها و زمین و آفرینش اصل آدمی می شمارد و همین همسانی را مایه سکونت و انس و الفت می شمارد: "و من آیته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها وجعل بینکم مودة و رحمة ان فی ذلک لآیت لقوم یتفکرون" (سوره روم، آیه ۲۱). آیات شریفه زیر تصریح می کند که زن و مرد از نظر کرامت و حرمت یکسانند: "و من یعمل من الصالحات من ذکر او انثی و هو مومن فاولئک یدخلون الجنة" (سوره نساء، آیه ۱۲۴). و هر که از زن و مرد کاری شایسته کند با ایمان به خدا به بهشت (پرنعمت جاوید) درآید. "من عمل صالحاً من ذکر او انثی و هو مومن فلنحیینه حیوة طیبة" (سوره نحل، آیه ۹۷). هر کس از مرد و زن کار نیکی به شرط ایمان به خدا به جای آورد ما او را در زندگانی خوش و با سعادت، زنده ابد می گردانیم. حضرت امام در تاکید بر همین حقیقت در جای دیگر می فرماید: "از نظر حقوق انسانی، تفاوتی بین زن و مرد نیست، زیرا که هر دو انسانند و زن حق دخالت در سرنوشت خویش را همچون مرد دارد. بلکه در بعضی از موارد، تفاوتی بین زن و مرد وجود دارد که به حیثیت انسانی آنها ارتباط ندارد" (صحیفه امام، ج ۴، ص ۳۶۴).

قرآن کریم هریک از زن و مرد را با توجه به کردار و ایمانشان شایسته یکدیگر می داند: "الخیث للخیثین و الخیثون للخیثات و الطیبت للطیبن و الطیون للطیبت" (سوره نور، آیه ۲۶) زنان بدکار و ناپاک شایسته مردانی بدین وصفند و لایق مردانی چنین و مردان پاکیزه نیکو لایق زنانی همین گونه اند. قرآن کریم حتی آثار و پیامدهای وضعی کردار نیک و بد را برای زن و مرد برابر می داند: "الزانی لاینکح الازانیة او مشرکه و الزانیة لاینکحها الا زان او مشرک و حرم ذلک علی المومنین" (سور نور، آیه ۳). مرد زناکار جز با زن زناکار و مشرک نکاح نمی کند و زن زانیه را هم جز مرد زانی و مشرک به نکاح نخواهد گرفت و این کار بر مردان مومن حرام است.

قرآن در مجازاتی چون قصاص، دیات و حدود، احکام یکسانی را برای مردان و زنان در



نظر گرفته است، مثلاً در باب حدود می فرمایند: "الزانية والزانی فاجلدوا کل واحد منهما مائه جلده ولا تاخذکم بهما رافه... ." (سوره نور، آیه ۲). باید شما مومنان هر یک از زنان و مردان زناکار را به صد تازیانه مجازات و تنبیه کنید و هرگز درباره آنان در دین خدا رافت و ترحم روا مدارید.

قرآن مرد و زن را در مقام عبادت یکسان قرار داده و برای هر دو پاداش برابر وعده کرده است که در آیات بسیاری به این حقیقت تصریح شده از جمله: "ان المسلمین و المسلمت و المومنین و المومنت و القانتین و القانت و الصادقین و الصادقت و الصابرین و الصابرت و الخاشعین و الخاشعت و المتصدقین و المتصدقت و الصائمین و الصائمات و الحافظین فروجهم و الحافظت و الذاکرین... کثیرا و الذاکرت اعدا... مغفره و اجرا عظیما" (سوره احزاب، آیه ۳۵). همانا کلیه مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان و مردان و زنان اهل طاعت و مردان و زنان راستگو و مردان و زنان صابر و مردان و زنان اهل طاعت و عبادت و مردان و زنان خیرخواه مسکین نواز و مردان و زنان روزه دار و مردان و زنان با حفاظ خوددار از تمایلات حرام و مردن و زنانی که یاد خدا بسیار کنند برای همه آنها خدا مغفرت و پاداش بزرگ مهیا ساخته است.

در منظر امام، اسلام زنان را سر بلند و شایسته می خواهد و آنچه دین گریزان برای زن قایلند، چیزی جز تباهی و ملعبه شدن نیست، ایشان می فرمایند: "مقام زن مقام والاست، عالیرتبه هستند. بانوان در اسلام بلند پایه هستند." (صحیفه امام، ج ۶، ص ۳۰۰).

"ما می خواهیم زن به مقام والای انسانیت خودش باشد، نه ملعبه باشد، نه ملعبه در دست مردها باشد، در دست ارذل باشد" (همان).

یا می فرمایند: "اسلام نظر خاص بر شما بانوان دارد، اسلام در وقتی که ظهور کرد در جزیره العرب، بانوان حیثیت خودشان را پیش مردان از دست داده بودند، اسلام آنها را سر بلند و سرفراز کرد، اسلام آنها را با مردان مساوی کرد. عنایتی که اسلام به بانوان دارد بیشتر از عنایتی است که بر مردان دارد" (همان، ج ۶، ص ۲۲۹-۳۰۰).

امام خمینی در مصاحبه با روزنامه هلندی دی ولت گرانٹ در پاسخ به این سوال که مشخصاً

حقوق زنان در جمهوری اسلامی چه خواهد بود، می فرمایند: "از نظر حقوق انسانی، تفاوتی بین زن و مرد نیست، زیرا که هر دو انسانند و زن حق دخالت در سرنوشت خویش را همچون مرد دارد. بله در بعضی از موارد تفاوتی بین زن و مرد وجود دارد که به حیثیت انسانی آنها ارتباط ندارد" (همان، ج ۴، ص ۳۶۴).

۲- تساوی زن و مرد در دستیابی به سعادت

از بدیهی ترین الگوهای دین شناختی در باورهای دینی، یکسانی زن و مرد در دستیابی به هدایتی است که در منطق دین مایه خوشبختی واقعی است. راه سعادت به روی همه گشوده است. کالای خوشبختی در بازار ایمان و عمل، در معرض گزینش خرید همگان است. بی هیچ تفاوتی میان مرد و زن، قرآن خود را هدی للناس می شمارد. چه اینکه خود را هدی للمتقین می داند و تقوایش را در انحصار هیچ کس نمی داند. آدمی بی هیچ تفاوتی میان زن و مرد، مکلف به هدایت است (لطیفی، ۱۳۷۸). آدمی در رسیدن به سعادت، راهی جز تقوا ندارد. یکی از تعبیرهای قرآن درباره سعادت، حیات طیبه یا بهشت است. قرآن کریم در چند جابه صراحت بیان می کند که کسی که عمل صالح به جای آورد، چه مرد باشد، چه زن، به آن حیات طیبه خواهد رسید و ذره ای درباره او ستم نخواهد شد. این آیات همین حقیقت تردید ناپذیر را بازگو می کند:

"من عمل صالحا من ذکر او انثی و هو مومن فلنحینه حیوة طیبة و لنجزینهم اجرهم باحسن ماکانوا یعملون" (سوره نحل، آیه ۹۷).

"انی لا اضع عمل منکم من ذکر او انثی بعضکم من بعض" (سوره آل عمران، آیه ۱۹۵).

"ومن عمل صالحا من ذکر او انثی و هو مومن فاولئک یدخلون الجنة یرزقون فیها بغير حساب" (سوره مومن، آیه ۴۰)

"ومن یعمل من الصالحات من ذکر او انثی و هو مومن فاولئک یدخلون الجنة و لا یظلمون نقیرا" (سوره نسا، آیه ۱۲۴).

از این روی طی مراحل رشد و ارتقای به مراتب بالاتر انسانی و دستیابی به کمالاتی که مسیر برای وصول به حیات طیبه و جزای احسن الهی است، امری انحصاری نیست. عمل صالح، عمل



□ "از نظر حقوق انسانی، تفاوتی بین زن و مرد نیست، زیرا هر دو انسانند و زن حق دخالت در سرنوشت خویش را همچون مرد دارد. بله، در بعضی از موارد، تفاوت‌هایی بین زن و مرد وجود دارد که به حیثیت انسانی آنها ارتباطی ندارد"

مردانه نیست. کما اینکه ایمان امری مردانه نیست. این سخن امام که می‌فرماید: "برای زن ابعاد مختلفی است، چنانچه برای مرد و برای انسان، این صورت طبیعی نازل‌ترین مرتبه انسان است و نازل‌ترین مرتبه زن است و نازل‌ترین مرتبه مرد است. لکن از همین مرتبه نازل حرکت به سوی کمال است. انسان موجود متحرک است، از مرتبه طبیعت تا مرتبه غیب تا فنا در الوهیت" (صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۳۷-۳۳۸).

در مکتب امام خمینی، زن بسیار تکریم شده و در اوج والایی قرار دارد. ایشان در این باره می‌فرمایند: "اسلام می‌خواهد که زن و مرد رشد داشته باشند. اسلام زن‌ها را نجات داده است از آن چیزهایی که در جاهلیت بود. آنقدری که اسلام به زن خدمت کرده، خدا می‌داند به مرد خدمت نکرده؛ آنقدر که به زن خدمت کرده. شما نمی‌دانید که در جاهلیت زن چه بوده و در اسلام چه شده." (همان، ج ۴، ص ۴۲۷-۴۲۸) "در زمانی که پیغمبر اسلام آمد، زن‌ها را هیچ حساب می‌کردند. اسلام زن‌ها را قدرت داده است" (همان، ج ۵، ص ۲۱۶).

امام به اغراض سوء دیدگاه‌های فمینیستی و انتظاری که از زن دارند، توجه داشته و همواره بر جایگاه آنان و تأثیری که در جوامع دارند تأکید می‌ورزیدند: اگر زنان شجاع و انسان‌ساز از ملتها گرفته شوند، ملت‌ها به شکست انحطاط کشیده می‌شوند. (همان، ج ۶، ص ۳۰۰)

"اسلام به شما آنقدر احترام قایل است که برای مردها نیست، اسلام شما را می‌خواهد نجات بدهد، اسلام شما را می‌خواهد از این ملعبه ای که اینها می‌خواهند شما را ملعبه قرار بدهند نجات بدهد، اسلام می‌خواهد شما را یک انسان کامل تربیت کند." (همان، ج ۶، ص ۳۵۸) "زن انسان است. آن هم یک انسان بزرگ. زن مربی جامعه است. از دامن زن انسان‌ها پیدا می‌شوند. مرحله

اول مرد و زن صحیح، از دامن زن است. . . سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است. زن با تربیت صحیح خودش انسان درست می کند و با تربیت صحیح خودش کشور را آباد می کند. مبدأ همه سعادت‌ها از دامن زن بلند می شود. زن مبدأ همه سعادت‌ها باید باشد. " (همان، ج ۷، ص ۳۳۹).

" زن مظهر تحقق آمال بشر است. زن پرورش‌ده زنان و مردان ارجمند است. از دامن زن مرد به معراج می رود. دامن زن محل تربیت بزرگ زنان و بزرگ مردان است " (همان، ج ۷ ص ۳۴۱).

امام خمینی در مناسبت‌های مختلف در بیانات‌شان جایگاه و منزلت حقیقی زنان را از دیدگاه اسلام بیان داشته‌اند. در دیدگاه امام، زن دارای مرتبه و منزلتی است که هیچ مکتب و مرام فمینیستی که زن را تا سطح یک ملعبه و یا ابزار کار نزول داده است، یارای دسترسی به آن را ندارد. ایشان با اشاره به روز زن با بیان منزلت حضرت فاطمه علیها السلام در باره جایگاه زن می فرماید: " فردا روز زن است، روز زنی است که عالم به او افتخار دارد. روز زنی است که دخترش در مقابل حکومت‌های جبار ایستاد. . . و آن حرف‌ها را زد که همه می دانید. " (همان، ج ۷، ص ۳۴۰)

امام در باره این روز مبارک می گویند: " مبارک باد بر ملت عظیم الشان ایران به ویژه زنان بزرگوار، روز مبارک زن، روز شرافت عنصر تابناکی که زیربنای فضیلت‌های انسانی و ارزشهای والای خلیفه‌الله در جهان است. و مبارکتر و پر بهاتر انتخاب بسیار والای روز بیستم جمادی الثانی است، روز پرافتخار ولادت زنی که از معجزات تاریخ و افتخارات عالم وجود است " (همان، ج ۱۶، ص ۱۹۲)

" من عید سعید مولود معظم حضرت زهرا سلام الله علیها را به همه شما خانم‌ها و زن‌های تمام کشورهای اسلامی تبریک عرض می کنم و از خداوند تعالی مسألت دارم که همه زن‌های محترمه را در راهی که خدای تبارک و تعالی مقرر فرموده است. همان راه را بروند و به مقاصد عالیه اسلامی برسند. برای زن‌ها کمال افتخار است که روز تولد حضرت صدیقه را روز زن قرار داده‌اند، افتخار است و مسؤولیت " (همان، ج ۲۰، ص ۴).

۳-عاطفه زنان مکمل عقلانیت مردان

قوت عاطفه و گستره احساسات در بانوان که برخاسته از لطافت اولیه روح و متناسب با برخی موقعیت‌های ویژه آنان است، در مقایسه با قوت عقلانیت معاش و خطرپذیری مردان،



واقعیتی است که به صورت نوعی و اجمالاً انکارناپذیر است و این خود نشان از حکمت بالغه الهی در تدبیر امر آفرینش و سامان یافتن معاش آدمیان و احساس نیاز متقابل و نقش پذیری تکمیلی آنان دارد. به عنوان مثال، تربیت و رشد فرزند و آمادگی برای پذیرش آن همه دشواری از نقطه آغاز تا بزرگ شدن فرزند و قدم گذاشتن به جامعه، دشواریهای دوران حمل و بیدارخوابیها و رسیدگی به امر تغذیه و نظافت وی به انگیزه و توان و تحملی بیش از آنچه عقل تدبیر و حسابگری خرد پدید می آورد، نیازاست. تنها عشق و عاطفه است که می تواند انگیزه و توان پذیرش آن همه دشواری را ایجاد کند. (لطیفی، ۱۳۷۸)

این است که درسرخن زیبایی از امام باقر(علیه السلام) به نقل فرزند بزرگوارش امام صادق(علیه السلام) این واقعیت را چنین می خوانیم: "ان . . . تبارک و تعالی جعل للمراه صبر عشره رجال فاذا حملت زاداها قوه عشره رجال اخری" (بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۱). خدای تبارک و تعالی به زن، صبر و تحمل ده مرد داده است و زمانی که باردار می شود، خداوند نیروی ده مرد دیگر را نیز به وی می دهد. پرواضح است که وجه روشن این توان، زور بازو و قدرت ماهیچه های بدن او نیست، بلکه همان لایه های زیرین روح و عمق جان او است که او را قوت می بخشد و درمقابل سختی ها مقاوم می سازد. این مصداقی از همان حقیقت است که حضرت امام صادق(ع) درسرخن راهگشا و تامل برانگیز دیگری بیان فرموده است: "ما ضعف بدن عما قویت علیه النیه" (بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۲۰۵). هیچ تنی نسبت به آنچه که نیتی استوار و اراده ای قوی برای آن وجود داشته باشد، دچار ضعف و ناتوانی نمی شود.

آنچه مکمل خرد حسابگر مرد در راه بردن و تمشیت امر زندگی است و موجب می شود زن در برخی صحنه ها که از توان و انگیزه مرد بیرون است به ایفای نقش پردازد. همان لایه زیرین روح و عاطفه عمیق وی است که نقطه عطف زندگی در بسیاری صحنه ها و مراحل است و در واقع صحنه گران این نقشها چیزی جز همان سرپنجه قوی و استوار و نستوه عاطفه زن نیست. همان که دررهنمود امام صادق(ع) قسوت آن تا بیست برابر مرد شمرده شده است و درسرخن امام چنان که خواهد آمد، دارای تحملی چون عرش معرفتی گشته است. همین ویژگی روحی،

وقتی در صحنه جامعه در قالب صحیح خود به ایفای نقش می پردازد، جلوه هایی از آیت الهی و حکمت ربانی را هم در صحنه وهم در صحنه گردانی نشان می دهد. (به نقل از لطیفی، ۱۳۷۸)

"عواطفی که در بانوان هست، مخصوص خودشان است در مردها این عواطف نیست و لهذا آن چیزی که در پشت جبهه از روی عواطف از بانوان صادر می شود بیشتر و بالاتر و ارزنده تر است از آن چیزی که از مردها صادر می شود. به موجب عواطفی که بانوان دارند، آنها برای جبهه ها کارهای بسیار مفید انجام داده اند و انجام می دهند و از همه مهم تر اینکه بانوان بعد از انقلاب با تمام کوشش و حفظ عفت و حفظ جهات اسلامی همقدم بلکه پیشقدم در امور کشور بوده اند." (صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۳۵۵)

۴- زنان زیربنای فضیلت های انسانی

در جایگاه تربیت و رشد انسانی جامعه، تردیدی نیست بانوان نقشی تعیین کننده و بی بدیل دارند. به روشنی پیداست که این نقش نمی تواند امری تشریفاتی و یا حتی قراردادی باشد. دست حق در نظام زیبا و حکیمانه آفرینش، زن را در چنین جایگاه و طبعاً در چنین مسئولیتی قرار داده است. جایگاهی که هیچ قانون و قراری نمی تواند کلیت آن را نادیده بگیرد و هیچ شانه ای نمی تواند به جز خود وی، این مسئولیت را بر خود نهد. این است که از آن به نقش بی بدیل یاد می کنیم و این چنین است که سخن امام در این باب که بارها نیز بر آن تاکید ورزیده اند، بیانی از یک واقعیت تکوینی در نظام احسن وجود و آفرینش آدمی و مناسبات انسانی اجتماعی آدمیان است و ترجمه ای است از آنچه در منابع دینی و نظام تشریح در شریعت مقدس آمده است. اگر خدای تبارک و تعالی با صفت "رب"، پرورش دهنده و رشد دهنده جهان و جهانیان است، زن نیز در نظام الهی چه نظام تکوین و هستی و چه دستگاه تشریح و بایستی مظهری از همین وصف و نام می باشد. (لطیفی، ۱۳۷۸)

در سخن پر بار و آسمانی امام صادق (ع) آمده است: "اکثر الخیر فی النساء" بیشترین خیر و خوبی در وجود بانوان است. ("وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱)

جلوه ای از این کلام آسمانی در سخنان امام خمینی این گونه آمده است: "زن مربی جامعه



□ "اسلام نظر خاص بر شما بانوان دارد، اسلام در وقتی که ظهور کرد در جزیره العرب، بانوان حیثیت خودشان را پیش مردان از دست داده بودند، اسلام آن‌ها را سر بلند و سرافراز کرد، اسلام آن‌ها را با مردان مساوی کرد. عنایتی که اسلام به بانوان دارد بیشتر از عنایتی است که بر مردان دارد"

است. از دامن زن انسانها پیدامی شوند. مرحله اول مرد و زن صحیح، از دامن زن است. مربی انسانها زن است. سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است. زن با تربیت صحیح خودش... کشور را آباد می کند. مبدأ همه سعادت‌ها از دامن زن بلند می شود. "(صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۳۹)

همین حقیقت را امام خمینی در جای دیگر با تعبیر "عنصر تابناکی که زیربنای فضیلت‌های انسانی و ارزش‌های والای خلیفه... در جهان است" (صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۱۹۲) بازگو می کند و برخاسته از همین حقیقت است که پیامبر دختران را بهترین فرزندان آدمی می شمارند. "خیر اولادکم البنات" (مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۶)

حضرت امام با اشراف عمیق و همه سویه ای که بر شریعت مقدسه از یک سو و مناسبات اجتماعی تربیتی جامعه دارند یکی از محوری‌ترین آموزه های خویش را در باب مسایل زنان و جایگاه خانوادگی و اجتماعی آنان، همین موقعیت اساسی وزیربنایی برای آنان می شمارند و سخت بر آن تاکید می ورزند. جالب است که در اشاره به اهمیت این جایگاه، آن را با مقام تربیتی قرآن نهادینه سازی می کنند، هم قرآن را انسان ساز می شمارند و هم بانوان را: قرآن کریم انسان ساز است و زنان نیز انسان ساز. اگر زنان شجاع و انسان ساز از ملتها گرفته شوند، ملتها به شکست و انحطاط کشیده می شوند. (صحیفه امام، ج ۶، ص ۳۰۰)

از این رو به آن دسته از گفته هایی که زنان را سرچشمه فساد و آلودگی و گناه و دریک کلمه منشا شر و تیره بختی آدمیان معرفی می کنند، حتی اگر در میان برخی منابع دینی باشد، باید

کاملاً به دیده تردید نگریست و حداقل در برابر ظواهر آن متون باید ایستادگی کرد و به گونه ای از آنها بهره جست که در تعارض آشکار با مبانی قطعی قرآنی و دینی نباشد. فضیل که از یاران امام صادق (ع) است، سخنی از مردم جامعه خود را که اینک نیز در فرهنگ ما بی رونق نیست، برای آن حضرت باز گفت، سخن این بود که مردم می گویند: در قیامت بیشتر دوزخیان، زنان هستند. امام در رد این گفته به پاسخی قابل فهم برای همه اکتفا کردند و فرمودند: این چه سخن بی جای است؟ در حالی که یک مرد در آخرت با هزار نفر از زنان دنیا در کاخی از در یکپارچه ازدواج می کند. "قلت له: شیء یقوله الناس: ان اکثر اهل النار یوم القیامه النساء. قال: و انی ذلک وقد یتزوج الرجل فی الاخره الفا من نساء الدنیا فی قصر من دره واحده" (من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۶۸).

۵- شرافت مادری: ارزشی بی همتا

شان مادری و شرافت و مسئولیتی که این جایگاه دارد و توجه ویژه ای که در متون دینی به منزلت مادر، نقش و تاثیرگذاری آن و طبعاً مسئولیت های وی شده، انعکاس خاصی در بیانات حضرت امام یافته است تا آنجا که عطوفت و رحمت نهفته در دیدگان مادر را بارقه رحمت و عطوفت رب العالمین شمرده و یک شب مادر نسبت به فرزند را از سالها عمر پدر ارزنده تر دانسته است (لطیفی، ۱۳۷۸). خداوند بزرگ در قرآن کریم در دو مورد وقتی سفارش احسان و نیکی به پدر و مادر را یادآور می شود به دوران دشوار بارداری مادر و تولد فرزند و شیرخوارگی آن اشاره می کند و در یک مورد آن، از انسان می خواهد که شکرگزار او و پدر و مادرش باشد. "و وصینا الانسن بوالدیه احسانا حملته امه کرها و وضعته کرها و حمله و فصله ثلاثون شهرا" (سوره احقاف، آیه ۱۵). و ما انسان را به احسان در حق پدر و مادر سفارش کردیم مادر با رنج و زحمت بار حمل کشید و باز با درد و مشقت وضع حمل نمود و سی ماه تمام مدت حمل و شیرخواری بود. "و وصینا الانسن بوالدیه حملته امه وهنا علی وهن و فصله فی عامین ان اشکر لی و لولدیک الی المصیر" (سوره لقمان، آیه ۱۴). و ما به هرانسانی سفارش کردیم که در حق پدر و مادر خود نیکی کن خصوص مادر که چون بار حمل فرزند برداشته و تا مدت دو سال که طفل را از شیر باز گرفته



نخست شکر من که خالق و منعم و آنگاه شکر پدر و مادر به جای آور که بازگشت خلق به سوی من خواهد بود.

به روشنی پیداست که چرا حضرت امام شغل مادری را شریف ترین شغل می شمارند: "این مادر که بچه در دامن او بزرگ می شود، بزرگترین مسئولیت را دارد و شریف ترین شغل را دارد، شغل بچه داری. شریف ترین شغل در عالم بزرگ کردن یک بچه است و تحویل دادن یک انسان است به جامعه. این همان بود که خدای تبارک و تعالی در طول تاریخ برایش انبیا فرستاد. در طول تاریخ از آدم تا خاتم انبیا آمدند انسان درست کنند" (صحیفه امام، ج ۷، ص ۴۶۴).

و این چنین است سخن نبوی (ص) هیچ شیری برای فرزند بهتر از شیرمادریست: "لیس للصبی لبن خیر من لبن امه" (بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۳۲۳). و ارزش بارداری و شیردادن با مرزبانی در راه خدا برابری می کند و اگر این دوران دشوارمنجر به فوت مادر شود، جایگاهی چون شهید خواهد داشت و این سخنی است که به نقل امیرالمومنین (علیه السلام)، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در پاسخ زنی فرمود که پرسید: پس زنان را از ارزش جهاد چه بهره ای است؟ "فقلت امره لرسول . . . (ص): یارسول . . . فما للنساء من هذا شیء؟ فقال: بلی. للمراه مابین حملها الی وضعها الی فطامها من الاجر کالمراط فی سبیل . . . فان هلکت فیما بین ذلک کان لها مثل منزله الشهید" (من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۶۱)

امام خمینی در فرازی زیبا و عرفانی - تربیتی به فرزند خود (حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی) می نویسند: " حقوق بسیار مادرها را نمی توان شمرد و نمی توان به حق اداکرد. یک شب مادر نسبت به فرزندش از سالها عمر پدر متعهد ارزنده تر است. تجسم عطوفت و رحمت در دیدگان نورانی مادر، بارقه رحمت و عطوفت رب العالمین است. خداوند تبارک و تعالی قلب و جان مادران را با نور رحمت ربوبیت خود آمیخته آن گونه که وصف آن را کس نتوان کرد و به شناخت کسی جز مادران درنیاید و این رحمت لایزال است که مادران را تحملی چون عرش درمقابل رنجها و زحمتهای از حال استقرار نطفه در رحم و طول حمل و وقت زاییدن و از نوزادی تا به آخر مرحمت فرموده، رنجهایی که پدران یک شب آن را تحمل نکنند و از آن

عاجز هستند. اینکه در حدیث آمده است که [قال رسول ا. . (ص): " الجنة تحت اقدام الامهات" (کنز العمال، ح ۴۵۴۳۹] بهشت زیر قدمهای مادران است، یک حقیقت است و اینکه با این تعبیر لطیف آمده است برای بزرگی عظمت آن است و هشیاری به فرزندان است که سعادت و جنت را در زیر قدم آنان و خاک پای مبارک آنان جستجو کنید و حرمت آنان را نزدیک حرمت حق تعالی نگهدارید و رضا و خشنودی پروردگار سبحان را در رضا و خشنودی مادران جستجو کنید. " (صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۲۲۵) و صد البته چنان که در کلام امام صادق (ع) آمده است: " طوبی لمن کانت امه عقیفه " خوشا به حال کسی که مادرش پاکدامن و عقیف باشد. (بحار الانوار، ج ۵، ص ۲۸۵).

۶- زن و مرد: نقش تکمیلی متقابل

یکی از نکات محوری در اندیشه دین شناختی حضرت امام در حوزه مسایل زنان توجه به این اصل است که زن و مرد همان گونه که در نظام آفرینش و ساختار تکوینی زندگی آدمی نقش تکمیلی متقابل دارند و در این خصوص و با توجه به جایگاه نقشی که هر یک از آن دو دارند، هیچ کدام فرع بردیگری نیستند و تفاوت در نقش به مقتضای حکمت بالغه الهی و ضرورت آن در نظام آفرینش به معنای اصل بودن یکی و فرعی تلقی شدن دیگری نیست، در نظام تشریح و تنظیم مناسبات اجتماعی و جایگاه انسانی اجتماعی هر یک از آن دو نیز مکمل یکدیگرند و یک محور اساسی در تحلیل و تبیین تفاوت های قراردادی و اعتباری نیز همین نقشهای تکمیلی است که خاستگاه آن عمدتاً تفاوت های ساختاری هر یک در نظام آفرینش می باشد و در واقع یک تقسیم کار طبیعی را می طلبد (لطیفی، ۱۳۷۸).

قرآن کریم به صورت عام و فراگیر همه انسان ها را در خدمت یکدیگر می شمارد، خدمت متقابلی که زاییده نیاز متقابل است: " اهم یقسمون رحمت ربک نحن قسمنا بینهم معیشتهم فی الحیوه الدنیا و رفعنا بعضهم فوق بعض درجت لیتخذ بعضهم بعضا سخریا و رحمت ربک خیر مما یجمعون" (سوره زخرف، آیه ۳۲). آیا آنها باید فضل و رحمت خدای تو را تقسیم کنند؟ در صورتی که ما خود معاش و روزی آنها را در حیات دنیا تقسیم کرده ایم و بعضی را بر بعضی (به



مال و جاه دنیوی) برتری داده ایم تا بعضی از مردم (به ثروت) بعضی دیگر را مسخر خدمت کنند و رحمت خدا از آنچه جمع می کنند بسی بهتراست.

مفاد آیه شریفه تقسیم بندی جامعه به افراد با درجه و افراد بی درجه، یعنی افرادی که فقط دیگران را به خدمت و تسخیر دیگران درمی آیند، نیست. نیاز متقابل است که تسخیر متقابل را در پی دارد. شرایع الهی نیز در صدد هدایت بشر به تنظیم روابط و مناسبات عادلانه اجتماعی و معرفی حقوق متقابل اعضای جامعه بوده اند. تبیین تکالیف و مسئولیتهای متقابل اجتماعی و تقسیم وظایف در جهت ایجاد روابط عادلانه کاری است که در حوزه مسئولیت انبیاء الهی بوده است. نمود روشن، عمیق و گسترده آن در شکلی سازمان یافته همراه با حقوق و تکالیف معین در قالب نهاد خانواده شکل می گیرد و ایفای نقش تکمیلی هریک از زن و مرد و سمت و سوی این رابطه تسخیر آمیز نه فقط در سطح ایجاد زمینه های همزیستی مسالمت آمیز، بلکه پاسخگویی به ندایی است که از عمق فطرت و از نهان عواطف، غرایز وجود آدمی به گوش می رسد و مایه آرامش و سکونت نفس را می طلبد. (لطیفی، ۱۳۷۸)

این است که خداوند در خصوص رابطه و نقش تکمیلی متقابل زن و مرد طبعاً در چارچوب نهاد خانواده، برپایه تدبیر حکیمانه خود، هریک از زن و مرد را مایه آرامش جنس مخالف قرار داده است. بنابراین وجود زن مایه آرامش خاطر و سکونت مرد است. "ومن آیته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها وجعل بینکم موده و رحمه ان فی ذلک لایت لقوم یتفکرون" (سوره روم، آیه ۲۱). و باز یکی از آیات الهی آن است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید که دربر او آرامش یافته و میان شما رفت و مهربانی برقرار فرمود، دراین امر نیز برای مردم بافکرت ادله علم و حکمت حق آشکاراست. چنان که زنان و مردان لباس یکدیگر خوانده شده اند. "هن لباس لکم و اتم لباس لهن" (سوره بقره، آیه ۱۸۷). زنان خود که جامه ستر و عفاف شما هستند و شما نیز لباس عفت آنها هستید.

جلوه ای از این نقش تکمیلی متقابل را دراین فرآیند ازبیانات حضرت امام به وضوح می بینیم: "خدمت مردها هم بسیارش مرهون خدمت زنهاست. در مردها یک حسی است که اگر ببینند زنها بیرون آمدند از خانه ها برای یک مقصدی، اگر قوه شان یکی باشد، ده تا می شود و در مملکت ما این طور شد که بانوان همدوش بلکه جلوتر از مردها از خانه ها بیرون آمدند و دراین راه اسلامی زحمت کشیدند و رنج دیدند، جوان دادند، شوهر دادند، برادر دادند، معذک رنج کشیدند و عمل کردند، پشتیبانی از اسلام کردند و مردها هم بسیاری به تبع زنها این کار را کردند" (صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۵۱۰)

بنابراین زن و مرد هم در جامعه و روابط اجتماعی وهم در فضای خانه و در مناسبات خانوادگی دو وجود مکمل یکدیگرند و نه دو قطب مخالفی که وجود هر یک، عرصه را بردیگری تنگ می کند و به ناگزیر یکی باید حذف شود و یا کاملاً در خدمت دیگری باشد. از این رو در شناخت و تنظیم مناسبات اجتماعی و خانوادگی میان زن و مرد و معرفی وجهه انسانی اجتماعی آنان، حضور و نقش آفرینی هریک بدون دیگری را باید ناقص شمرد و صدا البته که انسان ها در موقعیت ها و شرایط متفاوت، وظایف و حقوق متفاوت دارند و در کسب شایستگی های ارادی چون ایمان، علم، تقوا و جهاد کسانی برترند که شایستگی بیشتری کسب



کنند، چه زن و چه مرد (لطیفی، ۱۳۷۸)

با ملاحظه اجمالی در گفتار و رفتار حضرت امام روشن می شود در عین حالی که ایشان به جایگاه بی بدیل زن در تربیت و نقش اساسی او در انسان سازی اصرار می ورزد، اما بنا ندارد روایت نقل شده از حضرت زهرا (سلام الله علیها) را به عنوان یک اصل کلی و قاعده بگیرد و آن را بر مسئولیتهای سیاسی و اجتماعی و عبادی نیز تعمیم دهد. نقل شده است که حضرت امیر و فاطمه علیهما السلام از پیامبر خواستند تا در تقسیم امور خانواده بین آن دو قضاوت کند، پیامبر اکرم (ص) نیز کارهای مربوط به درون خانه را برای فاطمه و کارهای بیرون خانه را برای علی تعیین کرد و حضرت زهرا (س) در این زمینه می فرماید: جز خدا کسی نمی داند که من چقدر از این تقسیم خوشحال شدم، زیرا از شانه به شانه شدن با مردان بیگانه نجات یافتم. (وسائل الشیعه، ج ۱۴ ص ۱۲۳، حدیث ۲۵۳۴۱)

همان گونه که اشاره شد، برداشت حکم فقهی و الزامی از این روایت در تقسیم کار و تعمیم معافیت زن از عمل در بیرون خانه به مسئولیتهای سیاسی و اجتماعی و تعهدات اسلامی و دینی امری مشکل است و عملاً نیز خود حضرت زهرا (س) چنین نکرد و هیچ گاه به بهانه این تقسیم، خود را از وظایف اجتماعی و سیاسی معاف ننمود. این روایت در بیان یک رابطه اخلاقی خانوادگی و در حد مدیریت امور خانه و تقسیم کار در خانه و نه بیشتر مضمونی ارجمند و قابل الگوگیری دارد. بنابراین حضرت امام با همان تاکید و اصراری که بر نقش تربیتی زن در خانواده دارد معتقد است که حضور زنان در صحنه های سیاسی و اجتماعی لازم و واجب و ضروری است و " زن باید در مقدرات اساسی مملکت دخالت بکند" (صحیفه امام، ج ۶، ص ۳۰۱)

تربیت انسان و کادرسازی صحیح برای آینده جامعه، اگر مهمترین موضوع سیاسی و اجتماعی نباشد، حداقل در حد یکی از مهمترین امور اجتماعی است و تربیت و پرورش انسان بنیانگذاری هسته اولیه جامعه اسلامی است و ثانیاً نقش تربیتی زن منحصر در خانه نیست، بلکه حضور آنان در صحنه ها موجب تشویق و ترغیب و تقویت اراده مردان می گردد و حضرت امام می فرماید: " آمدن شما خانمها به خیابانها و میدانهای مبارزه موجب این شد که مردها هم قوه

پیدا بکنند، تقویت بشوند، روحیه آنها هم با آمدن شما تقویت بشود. " (همان، ج ۹، ص ۴۹۹)

به طور کلی جدا ساختن میدان فعالیت سیاسی و روابط اجتماعی از وظایف فردی و خانوادگی امری دشوار و در واقعیت زندگی انسان مومن که به حکم خدا عمل می کند و نظام هستی را توحیدی می داند، دشوارتر است. حضرت امام شغل مادری را از همه شغلها بالاتر می داند (صحیفه نور، ج ۷، ص ۴۷۷) و یک بار به یکی از دخترانشان می گویند: " من حاضر م ثوابی را که تو از تحمل شیطنت فرزندت می بری با ثواب تمام عبادات خود عوض کنم. " (رجایی، ج ۱، ص ۳۴).

۷- حقوق زنان در آموزش

یکی از ارزشمندترین ویژگی های انسانی، توان و استعداد او برای کسب آگاهی و معرفت است. این آگاهی را انسان از طریق حواس، تعقل و کشف و شهود می تواند کسب کند و به میزان آن برای خویشتن کمال وجودی به دست آورد. خداوند در قرآن درباره اهمیت علم و دانش می فرماید: "یرفع ا. الذین امنوا منکم والذین اوتوالعلم درجت" (سوره مجادله، آیه ۱۱). خدا مقام اهل ایمان و دانشمندان عالم را رفیع می گرداند. "قل هل یستوی الذین یعلمون والذین لایعلمون" (سوره زمر، آیه ۹). بگو آیا آنان که اهل علم و دانشند با مردم جاهل و نادان یکسانند؟ "طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمه" (بحار الانوار، ح ۵۴، ج ۱، ص ۱۷۷). آموختن دانش بر هر مرد و زن مسلمان واجب است.

هم چنین پیامبر فرمود: "نعم النساء نساء الانصار لم یمنعهن الحیاه ان یتفقهن فی الدین" (المراه فی القرآن والسنة، ص ۳۹). زنان انصار خوب زنانی هستند؛ حیا و شرم مانع فقه آموزی آنان نیست. از اینها که بگذریم شواهد بسیاری بر رواج علم و دانش در میان زنان در عصر رسول خدا می بینیم:

الف- پرسش زنان از پیامبر (ص)

تاریخ صدر اسلام نمونه هایی بسیار از علم آموزی و دانش طلبی زنان در ذهن خود نهفته دارد. زینب عطاره که به خرید و فروش لوازم آرایش زنان اشتغال دارد نزد پیامبر آمد



□ حضرت امام باقر(علیه السلام): خدای تبارک و تعالی به زن، صبر و تحمل ده مرد داده است و زمانی که باردار می شود، خداوند نیروی ده مرد دیگر را نیز به وی می دهد

□ شأن مادری و شرافت و مسئولیتی که این جایگاه دارد و توجه ویژه ای که در متون دینی به منزلت مادر، نقش و تاثیرگذاری آن و طبعاً مسئولیت های وی شده، انعکاس خاصی در بیانات امام خمینی یافته است

و از چگونگی آفرینش جهان پرسید. رسول خدا نیز پاسخ وی را به شرح باز گفت و از ابتدای خلقت برایش سخن گفت. (التوحید، ص ۲۷۶). اسماء دختر عمیس وقتی از هجرت حبشه بازگشت نزد زنان رسول خدا رفت و از آنان پرسید آیا قرآنی درباره زنان نازل شده است؟ چون پاسخ منفی شنید نزد پیامبر آمد و گفت زنان در خسران و زیانند، رسول خدا فرمود: چرا؟ گفت: زیرا آیه ای درباره زنان نازل نشده، آنگاه آیه ۳۵ از سوره احزاب فرود آمد (میزان الحکمه ج ۹ ص ۹۴-۹۵).

ب- پرسش زنان از صحابه

نمونه ای از تاریخ صدر اسلام برای گواهی کافی است. عبدا. . بن مسعود گوید: چرا کسانی را که خداوند در قرآن لعنت کرده، لعن نکنم یعنی زنان خال کوبنده (واشمه) و زنانی که نزد آنان برای خال کوبی (مستوشمه) می روند و آرایشگرانی که موی برخی زنان را به سر بعضی دیگر وصل می کنند (واصله) و کسانی که نزد آنها برای این کار می روند (مستوصله). زنی این سخن را شنید، تمام قرآن را قرائت کرد و این گفته ابن مسعود را در قرآن نیافت. روز بعد نزد او آمد و گفت: شب گذشته تمام قرآن را خواندم و آنچه تو گفتی در قرآن نبود. ابن مسعود گفت: مگر خداوند نفرموده است: "ما اتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا" آنچه را پیامبر آورد بگیریید و از آنچه بازداشت، پرهیزید و رسول خدا فرمود: خداوند زنهای واشمه و مستوشمه را لعنت کرده است (مجمع البیان ج ۲ ص ۲۹۸)

ج- پرسش صحابه از زنان

پرسشهایی که صحابه از فاطمه(س) دختر پیامبر و عایشه داشتند، کم نیست. روزی ابن مسعود

نزد فاطمه (س) آمد و گفت: آیا پیامبر چیزی از دانش نزد شما گذارده است؟ فاطمه (س) به کنیزش گفت: برگه هایی را که از پدرم برجای مانده بیاور (دایره المعارف الاسلامیه الشیعیه، ج ۱، ص ۱۰). هم چنین پرسش صحابه از عایشه بسیار بود و نقدهای او نیز بر صحابه بسیار است.

۵- پرسش زنان از زنان

زنان در عصر پیامبر از همسران رسول خدا و دختر وی پرسش بسیار داشتند. زنی نزد فاطمه (س) دختر پیامبر (ص) آمد و گفت: مادر ناتوانی دارم و برخی مسایل نماز برایش مشتبّه شده، مرا نزد شما فرستاد تا مساله اش را بپرسم. حضرت فاطمه جواب داد. او دوباره سوال کرد و جواب شنید و چندبار تکرار شد تا زن خجل شد (مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۱۷، ح ۲۲). زینب دختر محمد بن عثمان دمشقی جلسه درس داشت که کمتر از پنجاه نفر در درسش شرکت نمی کردند و ابن حجر یکی از آنان بود. ابن عساکر نزد بیش از هشتاد زن کسب دانش حدیث کرد (رساله الاسلام، س ۳، ش ۱، ص ۸۱)

آموزش و پرورش از حقوق اساسی زنان است و عامل تعیین کننده تساوی زن و مرد و توسعه جامعه است. سواد و سطح آن در زنان نه تنها موجب رشد و تواناسازی خود آنهاست، بلکه کلید مهم سلامت و بهداشت، تعلیم و تربیت در خانواده و رشد اعضای خانواده و حتی جامعه است: "تحصیل که در مورد مردان عامل مهمی برای تحرک شغلی است، در مورد زنان برای تحرک صعودی، متغیر سرنوشت سازی به نظر می رسد" (صفری، ۱۳۷۸، ص ۷۱)

امام خمینی در خصوص آموزش، تعلیم و تعلم، علم آموزی و فرصتهای برابر آموزشی رهنمودهایی دارند که به برخی از آنها اشاره می کنیم: "در علم و تقوا کوشش کنید که علم به هیچ کس انحصار ندارد، علم مال همه است" (صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۸۴).

"بانوان ایران در همه جا فعالیت کردند چه فعالیتهای فرهنگی و چه فعالیتهای اقتصادی که قشر کثیری از آنها در کشاورزی دخالت دارند و قشر کثیری از آنها در صنعت دخالت دارند و قشر کثیری در فرهنگ و ادب و علم و هنر" (همان، ج ۱۹، ص ۱۸۴).

"زنان در جامعه اسلامی آزادند و از رفتن آنان به دانشگاه و ادارات و مجلسین به هیچ وجه



جلوگیری نمی شود، از چیزی که جلوگیری می شود، فساد اخلاقی است که زن و مرد نسبت به آن مساوی هستند و برای هر دو حرام است" (همان، ج ۵، ص ۱۸۳)

"زن و مرد همه آزادند در اینکه دانشگاه بروند، آزادند در اینکه عرض می کنم رأی بدهند، رأی بگیرند" (همان، ج ۵، ص ۲۱۷)

۸- حقوق زنان در امور سیاسی و اجتماعی

مشارکت سیاسی زنان از متون دینی و تاریخ صدر اسلام به وضوح و روشنی قابل تایید و اثبات است. قرآن کریم بارزترین نمودهای فعل سیاسی را برای زنان اثبات می کند. در اینجا به ذکر چند شاهد و گواه بسنده می شود.

الف- بیعت

قرآن کریم بیعت با حکومت را برای زنان می پذیرد، آنجا که می فرماید: "یا ایها النبی اذ جاءك المومنت یبايعنك على ان لا يشركن بالله شياء و لا يسرقن و لا يزني و لا يقتلن اولدهن و لا ياتين بيهتن يفتريه بين ايديهن و ارجلهن و لا يعصينك في معروف فبايعهن و استغفرلهن الله ان الله غفور رحيم" (سوره ممتحنه، آیه ۱۲). الا ای پیغمبر چون زنان مومن آیند که با تو بر ایمان بیعت کنند که دیگر هرگز شرک به خدا نیاورند و سرقت و زناکاری نکنند و اولاد خود را به قتل نرسانند و بر کس افتراء و بهتان میان دست و پای خود نیندند و با تو در هیچ امر معروفی مخالفت نکنند بدین شرایط با آنها بیعت کن و بر آنان از خدا آموزش طلب که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

تاریخ صدر اسلام نیز نشان دهنده تحقق این عمل سیاسی از سوی زنان است. در بیعت "عقبه ثانیه" که گروهی از مردمان مدینه پس از انجام اعمال حج با رسول الله بیعت کردند، دو زن به نام ام عماره و اسماء حضور دارند. (مهریزی، ۱۳۷۸).

ب- هجرت

هجرت یکی دیگر از حرکت های اجتماعی و سیاسی است که در صدر اسلام دوبار اتفاق افتاد. زنان مسلمان در هر دو مهاجرت شرکت داشتند، این مهاجرتها دارای ابعاد سیاسی بسیار بود. از یک سو طرد و نفی نظام حاکم بر جامعه را نشان می داد و از سوی دیگر ابلاغ پیام آیین جدید را

به همراه داشت و از طرف سوم تدبیر سیاسی بود برای ماندگاری و پایداری مکتب نوظهور، بدین معنا که اگر مشرکان، مسلمانان را در مکه نابود ساختند، پیروان آیین نو در مکانی دیگر به حمایت و حراست آن پردازند (مهریزی، ۱۳۷۸). قرآن کریم در آیات متعددی از مهاجرت زنان مسلمان سخن گفته است:

"ان الذين توفهم الملائكة ظالمة انفسهم قالوا فيم كنتم قالوا كنا مستضعفين في الارض قالوا الم تكن ارض الله واسعة فتهاجروا فيها فاولئك ماؤهم جهنم وساءت مصيرا. الا المستضعفين من الرجال والنساء والولدان لا يستطيعون حيلة ولا يهتدون سبيلا" (سوره نساء، آیه ۹۷-۹۸). آنان که هنگام (مرگ) قبض روح ظالم و ستمگر بمیرند فرشتگان از آنها باز پرسند که در چکار بودید پاسخ دهند که ما در روی زمین مردمی ضعیف و ناتوان بودیم فرشتگان گویند آیا زمین خدا پهناور نبود که در آن سفر کنید ماوای ایشان جهنم است و بازگشت آنها به جایگاه بسیار بدی است مگر آن گروه از مردان و زنان و کودکان که به راستی ناتوان بودند که گریز و چاره ای برایشان میسر نبود و راهی به نجات خود نمی یافتند.

"يا ايها النبي انا احللتنا لك ازوجك اللاتي آتيت اجورهنّ وما ملكت يمينك مما افاء الله عليك و بنات عمّك و بنات عمّاتك و بنات خالك و بنات خالاتك اللاتي هاجرن معك" (بخشی از سوره احزاب، آیه ۵۰) ای پیغمبر (گرامی) ما زنانی را که مهرشان ادا کردی بر تو حلال کردیم و کنیزانی که به غنیمت خدا تو را نصیب کرد و ملک تو شد و نیز دختران عمه و دختران خالو و دختران خاله آنها که با تو از وطن خود هجرت کردند.

"يا ايها الذين امنوا اذا جاءكم المومنت مهاجرت فامتحنوهن الله اعلم بايمنهن فان علمتموهن مومنت فلا ترجعهن الى الكفار لاهن حل لهم ولا هم يحلون لهن" (سوره ممتحنه، آیه ۱۰) ای کسانی که ایمان آورده اید، زنانی که به عنوان اسلام و ایمان هجرت کرده و به سوی شما آمدند خدا به ایمانشان داناتر است شما از آنها تحقیق کرده و امتحانشان کنید اگر با ایمانشان شناختید آنها را دیگر به شوهران کافرشان برنگردانید که هرگز این زنان مومن بر آن کفار و آن شوهران کافر بر این زنان حلال نیستند. در پیمان صلح حدیبیه مقرر بود که مسلمانان اگر به مدینه



□ امام خمینی: "در نظام اسلامی، زن همان حقوقی را دارد که مرد دارد، حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت، حق رای دادن، حق رای گرفتن در تمام جهاتی که مرد حق دارد، زن هم حق دارد"

□ "حقوق بسیار مادرها را نمی توان شمرد و نمی توان به حق اداکرد. یک شب مادر نسبت به فرزندش از سالها عمر پدر متعهد ارزنده تر است. تجسم عطف و رحمت در دیدگان نورانی مادر، بارقه رحمت و عطف رب العالمین است"

آمدند، برگردانده شوند. اما خداوند این آیه را فرفرستاد و زنان را از آن پیمان مستثنی کرد. ابن عباس گفته است آزمون زنان مهاجر این چنین بود که اعتراف می کردند: "از جهت کینه شوهر یا تمایل به سرزمین جدید و دستیابی به دنیا مهاجرت نکردم، بلکه به جهت علاقه به خدا و پیامبر هجرت نمودم" (فتح الباری، ج ۱۱، ص ۳۴۵) دمیمه دختر بشر، سبیعه دختر حارث، بروغ دختر عقبه، عبده دختر عبدالعزیز از زنانی بودند که مهاجرت کردند و آزموده شدند. یکی از زنانی که در مهاجرت شرکت داشت، اسماء همسر زبیر بود. او می گوید در این مهاجرت فرزندم عبدا... را حامله بودم و زمان بارداری به پایان رسیده بود. به سوی مدینه آمدم و در قبا وضع کردم. (صحیح البخاری، ج ۸، ص ۲۴۹)

ج- امر به معروف و نهی از منکر یا نظارت عمومی

فرمان به خوبیها و بازداشتن از بدیها و یکی از تکالیف اجتماعی اسلام است که هر مرد و زن بدان موظف است. در قرآن کریم یازده آیه پیرامون این فریضه نازل شده است. در یکی از این آیات امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک نوع ولایت که مومنان بریکدیگر دارند، معرفی شده است. در همین آیه تصریح شده که این وظیفه مشترک زنان و مردان است: "والمؤمنون والمؤمنات بعضهم اولیاء بعض یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و یمونون الصلوة و یوتون

الزکوة و يطيعون الله و رسوله اولئک سیر حمهم الله ان الله عزیز حکیم" (سوره توبه ، آیه ۷۱) مردان و زنان مومن همه یاور و دوستدار یکدیگرند خلق را به کار نیکو امر و از کار زشت نهی می کنند نماز به پا می دارند و زکوه می دهند و حکم خدا و رسول را اطاعت می کنند آنان را البته خدا مشمول رحمت خود خواهد گردانید که خدا صاحب اقتدار و حکیم و درست کردار است.

د) حکومت ملکه سبا (بلقیس)

داستان ملکه سبا و پادشاهی او در قرآن کریم به خوبی یاد شده است. از سویی دیگر آیات قرآنی، وی را فردی اهل رأی و نظر و حق طلب معرفی می کند، چرا که وقتی نامه سلیمان به او رسید با درایت به حل مشکل پرداخت و به سلیمان گروید.

ابن خلدون، بلقیس را طراح و سازنده سد مارب می داند و او را دارای کشوری آباد دانسته که میوه هایی در آن یافت می شد که در جمله عالم نبود.

ه) جهاد

مشارکت زنان در جهاد در تاریخ صدر اسلام و پس از آن بر کسی پوشیده نیست. در دفاع مقدس نیز زنان در جبهه های نبرد به یاری رزمندگان می شتافتند، غذا می پختند و مریضان را مداوا می کردند.

عن انس لما کان یوم احد کانت عائشه ام سلمه تنقزان القرب و تفرغانه فی افواه القوم. " (صحیح البخاری، ج ۶، ص ۴۱۸). عایشه و ام سلمه در زمان جنگ احد، مشکهای آب را به سرعت جا به جا می کردند و به تشنگان می رساندند.

"عن ام عطیه غزوت مع الرسول . . . (ص) سبع غزوات اخلفهم فی حالهم و اطبخ لهم الطعام. " (صحیح مسلم، ج ۵، ص ۱۹۹) ام عطیه گوید در هفت جنگ همراه رسول خدا بودم و درخیمه گاه می ماندم و غذا طبخ می کردم.

"عن حفصه بنت سیرین عن امراه من الانصار، ان زوج اختها غزا مع النبی (ص) اثنتی عشره غزوه فکانت اختها معه فی ست غزوات قالت: فکنا نقوم علی المرضی. " (صحیح البخاری، ج ۳، ص ۱۲۲). حفصه دختر سیرین از زنی از انصار نقل می کند که شوهر خواهرش، دوازده مرتبه در



□ امام خمینی در زمینه اموراتصادی زنان می فرماید: تمام معاملاتشان به اختیار خودشان هست و آزاد هستند، اختیار شغل را آزاد هستند

جنگهای پیامبر شرکت کرد و خواهرش در شش جنگ شرکت جست. او می گفت ما از مجروحین مراقبت می کردیم.

"عن ربیع بنت معوذ. . . کنا نغزو مع النبی(ص) . . . و نرد الجرحی و القتلی الی المدینه"(صحیح البخاری، ج ۶، ص ۴۲۰) ربیع دختر معوذ می گوید: . . . در جنگهای پیامبر شرکت می جستیم و شهدا و مجروحان را به مدینه بازمی گرداندیم.

"عن انس . . . کان رسول الله (ص) یغزو بام سلیم و نسوه من الانصار اذا غزا یداوین الجرحی." (صحیح مسلم، ج ۵، ص ۱۹۶) انس گوید: پیامبر در جنگها ام سلیم و زنانی از انصار را با خود همراه می کرد برای مداوای مجروحان.

امام خمینی نیز در باب حق شرکت زنان در امور کشور، حق رای دادن و انتخاب شدن، حضور در مناصب سیاسی، اجتماعی و مراکز تصمیم گیری، شرکت در سازمان ها و انجمن ها بیانات زیر را می فرماید:

"در نظام اسلامی، زن همان حقوقی را دارد که مرد دارد، حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت، حق رأی دادن، حق رأی گرفتن. در تمام جهاتی که مرد حق دارد، زن هم حق دارد" (صحیفه امام، ج ۵، ص ۱۸۹).

"زن ها هم باید در فعالیت های اجتماعی و سیاسی همدوش مردها باشند. البته باحفظ آن چیزی که اسلام فرموده است." (همان، ج ۱۸، ص ۴۰۳).

"زن باید در مقدرات اساسی مملکت دخالت کند. شما همان گونه که در نهضت ها نقش اساسی داشته اید و سهم بوده اید، هم اکنون هم باز باید در پیروزی سهم باشید و فراموش نکنید که هر موقع اقتضا کند، نهضت کنید و قیام کنید." (ر. ک: ج ۶، ص ۳۰۱)

بدین ترتیب نه تنها رویکرد امام خمینی زنان را به هیچ عنوان با سیاست بی ارتباط نمی داند، بلکه در نظر ایشان رفتارهای سیاسی زنان در قیاس با مردان از اعتبار بیشتری نیز برخوردار است. زیرا زنان با فعالیت ها و مشارکت سیاسی و اجتماعی خود موجب تقویت این گونه فعالیت های مردان می شوند: " شما [بانوان] هستید که علاوه بر آنکه خودتان فعالیت می کنید فعالیت را در مردها مضاعف می کنید. " (همان، ج ۱۹، ص ۱۸۳).

"پیشقدم شدن شما در همه مسایل . . . اسباب این می شود که مردها هم بیشتر وارد بشوند، مردها هم قوی تر بشوند. " (همان، ج ۲۰، ص ۸).

بنابراین وجود فرصت و امکانات لازم برای زنان در عرصه های گوناگون سیاسی و اجتماعی و رفع هرگونه تبعیض ضروری است.

۹- مالکیت زنان

در دهه های اخیر حضور زنان در فعالیتهای اقتصادی گسترش یافته است. گرچه این اشتغال نامنظم بوده است. اما زنان توانایی و صلاحیت خود را در مشاغل گوناگون و مختلفی حتی مشاغلی چون مهندسی که شغل مردانه تلفی می شد، نشان داده اند. گرچه می توان گفت در اشتغال تنها جنبه مادی قضیه مطرح نیست، بلکه کسب تجربه، گسترش دانش و رشد فرد نیز از دیگر نتایج آن است. اما باید در نظر داشت که همواره تعدادی از زنان نه پدر و نه شوهر دارند تا از آنها حمایت شود و یا برخی به دلایل دیگر از جمله ناتوانی پدر یا شوهر، نیاز به کار و اشتغال دارند که جامعه مسئول تامین شغل و حمایت از آنها می باشد. پس زنان باید دارای حق کار و اشتغال بوده و جامعه نیز امکانات و فرصتهای لازم را باید برای آنها تامین نماید (مبلغ، ۱۳۸۰).

قرآن کریم چونان که مرد را مالک مال و ثروت خویش می داند، زنان را نیز دارای حق مالکیت و بهره برداری از دارایی و دستاورد کار و زحمت خود می شناسد: " للرجال نصیب مما اكتسبوا وللنساء نصیب مما اكتسبن " (سوره نساء، آیه ۳۲) هر که از مرد و زن از آنچه اکتساب کنند بهره مند شوند.

قرآن کریم هر یک از مرد و زن را دارای بهره از ارث می داند: " للرجال نصیب مما ترک



الولدان والاقربون وللنساء نصيب مما ترك الولدان والاقربون" (سوره نساء، آیه ۷) برای فرزندان ذکور سهمی از ترکه ابویان و خویشان است و برای فرزندان اناث نیز سهمی از ترکه. قرآن مهریه را ملک زنان دانسته و مردان را به پراختن این واجب مالی دستور داده است: "آتوا النساء صدقاتهن نحله" مهر زنان را با طیب خاطر پردازید. هم چنین نفقه زن را برعهده مرد گذاشته و در برابر خدمات و زحمات او در خانه شوهر و نیز در برابر شیردادن فرزند، برای او حقوقی منظور کرده است و حتی در عده طلاق، نفقه زن را بر ذمه شوهر قرار داده است. امام خمینی در زمینه امورات اقتصادی زنان می فرماید "تمام معاملاتشان به اختیار خودشان است و آزاد هستند، اختیار شغل را آزاد هستند." (صحیفه امام، ج ۶، ص ۴۳۶-۴۳۷) بنابراین زنان در گستره متنوعی از مشاغل باید از امکانات لازم، امنیت شغلی، ارتقای مقام، استفاده از آموزش و دیگر مزایا بهره مند باشند.

۱۰- زنان و دفاع

تجاوز به حقوق بشر و برخوردهای مسلحانه و اشغال نظامی، تعدی به اصول بنیادی انسانی است. با وجود اینکه در اکثریت قریب به اتفاق جنگ ها این مردان هستند که در حملات و درگیری های نظامی شرکت می کنند اما زنان نیز قربانیان و یا مهاجران و افراد بی مکان و بی پناه این جنگ ها هستند و یا مورد هتک حرمت واقع می شوند. از این رو اگرچه لازم است دولت ها و قوانین بین المللی به توقف برخوردهای مسلحانه علیه زنان همت گمارند، در عین حال لازم است زنان به آموزش های نظامی و دفاعی مجهز گردند. (مهریزی، ۱۳۷۸). در اینجا به بیان برخی نظرات امام خمینی که نشان دهنده موضع ایشان درباره آموزش نظامی زنان و فعالیت آن ها در نیروهای نظامی است، می پردازیم:

"من از آنچه تاکنون به همت مردان و زنان باسرف و رزمنده شده است، امید آن دارم که در بسیج همه جانبه آموزش نظامی و عقیدتی و اخلاقی و فرهنگی با تأیید خداوند متعال موفق شوند و دوره تعلیمات و تمرینهای عملی نظامی و پارتیزانی و چریکی را شایسته و به طوری که سزاوار یک ملت اسلامی به پاخاسته است، به پایان رسانند." (صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۵۹)

۱۱- آزادی زنان در نوع پوشش با حفظ حدود حجاب

حجاب از مقوله‌هایی است که با فطرت انسان آشناست و اختصاص به زن ندارد و فقط در باب کیفیت آن است که در این باره زن از مرد متمایز می‌باشد. حجاب زن در دیدگاه اسلام پوشش معقول است که ممکن است با توجه به آداب و رسوم هر ملتی کیفیت و شکل مخصوص به خود را دارا باشد. به دلیل اهتمام بسیاری که قرآن نسبت به مقام والای زن قائل شده است، احکام و دستورات مهمی برای او قرار داده تا شخصیت ارزشمند و گوهر وجود او به عنوان رأفت و مایه آرامش خانواده برای اجتماع مناسب شان وی محفوظ بماند. آیات قرآنی که درباره حجاب زنان و مردان بیان شده به شرح زیر است: "قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم ذلک ازکی لهم ان ا. . خبیر بما یصنعون و قل للمومنات یغضن من ابصرهن و یحفظن فروجهن" (سوره نور، آیه ۳۰-۳۱) ای رسول ما مردان مومن را بگو تا چشمها (از نگاه ناروا) بپوشند و فروج و اندامشان را محفوظ دارند که این بر پاکیزگی شما اصلاح است و البته خدا به هر چه کنید کاملاً آگاه است. ای رسول زنان مومنه را بگو تا چشمها (از نگاه ناروا) بپوشند و فروج و اندامشان را (از عمل زشت) محفوظ دارند.

"یا ایها النبى قل لزوجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهن من جلیبهن ذلک ادنی ان یعرفن فلا یوذین. . ." (سوره احزاب، آیه ۵۹) ای پیغمبر (گرامی) با زنان و دختران خود و زنان مومنان بگو که خویشان را با چادر فرو پوشند که این کار برای اینکه آنها شناخته شوند تا از تعریض و جسارت (هوس رانان) آزار نکشند بر آنان بسیار بهتر است.

چنان که می بینیم حکم پوشش و نگاه به دلیل محافظت زنان مومن است. به رغم آنچه علیه قرآن و اسلام تبلیغ شده و احکام قرآن درباره زن را حصارى برای او و موجب پایمال شدن حقوق او دانسته اند، بسیاری از وجدانهای آگاه و بی غرض جهان از اندیشمندان یا شهروندان عادى دریافته اند که دستورات قرآن بیش از هر نظام و مکتبی با ناموس آفرینش و طبیعت مرد و زن هماهنگی کامل دارد و کامل ترین و جامع ترین نظام حقوقی برای جامعه زنان تا رستاخیز خواهد بود.



□ "حجاب به معنای متداول میان ما که اسمش حجاب اسلامی است با آزادی مخالفتی ندارد. اسلام با آنچه خلاف عفت است مخالفت دارد"

امام خمینی در پاسخ پرسشی در این باره می‌فرماید: "حجاب به معنای متداول میان ما که اسمش حجاب اسلامی است با آزادی مخالفتی ندارد. اسلام با آنچه خلاف عفت است مخالفت دارد و ما آنان را دعوت می‌کنیم که به حجاب اسلامی رو آورند. و زنان شجاع ما دیگر از بلاهایی که غرب به عنوان تمدن به سرشان آورده است، به‌ستوه آمده‌اند و به اسلام پناهنده شده‌اند" (صحیفه امام، ج ۵، ص ۵۴۱)

"در اسلام زن باید حجاب داشته باشد، ولی لازم نیست که چادر باشد. بلکه زن می‌تواند هرلباسی را که حجابش را به وجود آورد اختیار کند." (همان، ج ۵، ص ۲۹۴)

"در وزارتخانه‌های اسلامی نباید زن‌های لخت‌بیابند، زن‌ها بروند اما با حجاب باشند مانعی ندارد بروند اما کار نکنند لکن باحجاب شرعی باشند، با حفظ جهات شرعی باشند." (همان، ج ۶، ص ۳۲۹)

در مصاحبه یکی از خبرنگاران خارجی با امام، سؤال شد: این چادر، آیا صحیح است که این زن‌ها خود را در زیر چادر مخفی کنند؟ این زن‌ها در انقلاب شرکت کردند، کشته دادند، زندان رفتند، مبارزه کردند. این چادر هم یک رسم از قدیم است، حالا دیگر دنیا هم عوض شده، حالا این صحیح است که مثلاً اینها خودشان را مخفی کنند؟ امام با هوشیاری فرمودند: "اولاً اینکه این یک اختیاری است برای آن‌ها، خودشان اختیار کردند. شما چه حقی دارید که اختیار را از دستشان بگیرید؟ ما اعلام می‌کنیم به زن‌ها که هر کس چادر می‌خواهد یا هر کس پوشش اسلامی، بیاید بیرون، از سی و پنج میلیون جمعیت ما، سی و سه میلیونش بیرون می‌آید. شما چه حقی دارید که جلو اینها را بگیرید؟ این چه دیکتاتوری است که شما نسبت به زن‌ها دارید؟ و ثانیاً اینکه ما یک پوشش خاصی را نمی‌گوییم، برای حدود زن‌هایی که به سن و سال شما رسیده‌اند

هیچ چیزی نیست، ما زن‌های جوانی که وقتی ایشان آرایش می‌کنند و می‌آیند یک فوج را دنبال خودشان می‌کشند، اینها را داریم جلوشان را می‌گیریم، شما هم دلتان نسوزد. "(همان، ج ۱۰، ص ۱۰۳-۱۰۴)

"البته باید توجه داشته باشید که حجابی که اسلام قرار داده است، برای حفظ آن ارزش‌های شماست. هر چه را که خدا دستور فرموده است، چه برای زن و چه برای مرد، برای این است که آن ارزش‌های واقعی که اینها دارند و ممکن است به واسطه وسوسه‌های شیطانی یا دست‌های فاسد استعمار و عمال استعمار پایمال می‌شدند اینها، این ارزش‌ها زنده بشود. "(همان، ج ۱۹، ص ۱۸۵)

"زنان در انتخاب فعالیت و سرنوشت و هم چنین پوشش خود با رعایت موازین آزادند و تجربه کنونی فعالیت‌های ضد رژیم شاه نشان داده است که زنان بیش از پیش آزادی خود را در پوششی که اسلام می‌گوید، یافته‌اند. "(همان، ج ۴، ص ۲۴۷)

۱۲ - حقوق زنان در طلاق

یکی از مباحثی که بازار آن گرم است و به عنوان حربه‌ای برای تشویش افکار زن‌ها از آن استفاده می‌شود، موضوع ازدواج و طلاق است. خرده‌گیران بدون توجه به اختیاری بودن انتخاب زوج با متمسک قراردادن نمونه‌هایی، زنان را بنده مرد قلمداد می‌کنند و معتقدند اختیار طلاق در دست مردان، تبعیضی برای زنان است. امام خمینی با اشاره به این موضوع و اختیاری که اسلام برای زنان قرار داده می‌فرماید: "زن‌هایی که می‌خواهند ازدواج کنند، از همان اول می‌توانند اختیاراتی برای خودشان قرار بدهند که نه مخالف شرع باشد و نه مخالف حیثیت خودشان، می‌توانند از اول شرط کنند که اگر چنانچه مرد فساد اخلاق داشت، اگر بد زندگی کرد با زن، اگر بد خلقی کرد با زن، و کیل باشند در طلاق. اسلام برای آن‌ها حق قرار داده است، اسلام اگر محدودیتی برای مردان و زنان قایل شده است همه به صلاح خودتان بوده است. تمام قوانین اسلام، چه آن‌هایی که توسعه می‌دهد، چه آن‌هایی که تحدید می‌کند، همه بر صلاح خود شماست، برای خود شماست. همان‌طوری که حق طلاق را با مرد قرار داده است، حق این را قرار داده است که شما در وقت ازدواج شرط کنید با او که اگر چه کردی یا چه کردی، من و کیل باشم در طلاق. و اگر این شرط

را کرد، دیگر نمی‌تواند او را معزول کند، اگر این... شرط در ضمن عقد واقع شد نمی‌تواند او را دیگر محدود کند، نمی‌تواند اخلاق بد انجام بدهد و اگر مردی با زن خودش بد رفتاری کرد، در حکومت اسلام او رامنع می‌کنند، اگر قبول نکرد تعزیر می‌کنند، حد می‌زنند و اگر قبول نکرد مجتهد طلاق می‌دهد." (صحیفه امام، ج ۶، ص ۳۰۱-۳۰۲)

نتیجه‌گیری

زن در دیدگاه اسلام با مرد در حقیقت انسانی و سیر تکاملی تفاوتی ندارد. بر این اساس در عرصه‌های اساسی هر دو دوش به دوش هم پیش می‌روند از جمله در عرصه کمال و رسیدن به سعادت، در دست‌یابی به پاداش الهی، در دست‌یابی به مقامات اخروی و در عرصه تقرب به خدا. تردیدی نیست که در عرصه‌های مورد اشاره زن و مرد در نگرش اسلامی مساوی‌اند، تنها در برخی از عرصه‌های فرعی زندگی است که هر کدام با توجه به جایگاه ویژه‌ای که در نظام احسن دارند از حیث احکام اسلامی تفاوت‌هایی بر اساس عدالت الهی دارند که با فلسفه خلقت آنان هماهنگی کامل دارند. باید به این اصل اساسی نیز اعتراف کرد که در نگرش وحی تشریحی و تبیین احکام تکلیفی از لحظه‌ای که انسان مورد خطاب مستقیم یا غیر مستقیم الهی قرار می‌گیرد تا لحظه محاسبه و پاداش، بین زن و مرد فرقی نیست و هر حکمی که برای مرد آمده نسبت به زنان هم جاری بوده و هر خطابی که به زنان شده نسبت به مردان هم جاری بوده است و آنچه در خطابهای تشریحی نقش ندارد جنسیت است و استثناهایی که در موارد خاص دیده می‌شود، به دلیل تفاوت‌های زیستی و روانی بوده که طبیعتاً قوانین ویژه را نیز نیاز دارد. زیرا از یک سری تفاوت‌های زیستی و به تبع و تناسب آنها تفاوت‌های روانی و روحی بین زن و مرد وجود دارد که نه تنها وجود آنها خالی از حکمت نیست، بلکه نشان اعتدال نظام آفرینش و آگاهی و قانونمندی حکیمانه آن و برای تداوم نسل بشر ضروری بود است.

شک نیست که لازمه اشتراک زن و مرد در حیثیت انسانی، برابری آن‌ها در حقوق انسانی است، اما تشابه آن‌ها در حقوق نه. آنچه مسلم است این است که اسلام حقوق یکنواختی برای زن

و مرد قائل نشده است ولی هرگز امتیاز و ترجیح حقوقی برای مردان نسبت به زنان قائل نیست. اسلام اصل مساوات انسان ها را درباره زن و مرد نیز رعایت کرده است. اسلام با تساوی حقوق زن و مرد مخالف نیست، با تشابه حقوق آنها مخالف است. بنابراین عدم تشابه حقوق زن و مرد در حدودی که طبیعت زن و مرد را در وضع نامشابهی قرار داده است هم با عدالت و حقوق فطری بهتر تطبیق می کند و هم سعادت خانوادگی را بهتر تأمین می نماید. لذا اسلام با ظهورش به زنان حقوق مساوی با حقوق مردان اعطاء نمود، چرا که در انسانیت تفاوتی میان زن و مرد نیست و اگر تفاوتی در بعضی از حقوق دارند، مربوط به ویژگی زن یا ویژگی مرد است و امری کاملاً طبیعی و عقلایی است و هیچ کدام از این حقوق ویژه، ملاک ارزش و امتیاز نزد خداوند سبحان نیست. آنچه را که ملاک کرامت و ارزش به جامعه معرفی کرد، مربوط به انسانیت انسان است نه زن و مرد بودن انسان. امام خمینی تمامی این مفاهیم الهی را در نظر داشتند و در سخنان متعدد بر آنها تأکید کرده، با توجه به شرایط زمان و مکان در هر مورد توضیح مبسوط بیان داشته اند.

منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق). (۱۴۰۴). من لایحضره الفقیه، ج ۳، قم: موسسه النشر الاسلامی
- ۳- العاملی، الحر. (۱۴۱۴). وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۲۳. حدیث (۲۵۳۴۱). قم: آل البیت (علیهم السلام).
- ۴- الامین. حسن (۱۴۱۰). دائرة المعارف الاسلامیة الشیعیة، بیروت: دارالتعارف
- ۵- بخاری، ابوعبدا. . . محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره بن بردزبه. (۱۹۴-۲۵۶ هجری). صحیح بخاری، ج ۳، ج ۶، کتاب الجهاد باب غزوه النساء. قتالهن مع الرجال. کتاب الجهاد باب: رد النساء القتلی و الجرحی، ج ۸، کتاب المناقب، باب هجره النبی واصحابه الی المدینه. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۶- خمینی، روح ا. . . . (۱۳۸۷). شرح چهل حدیث. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۷- خمینی، روح ا. . . . صحیفه امام (مجموعه بیانات، مصاحبه ها، اجازات شرعی و نامه های امام خمینی)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸



- ۸- رجایی، غلامعلی، برداشتهایی از سیره امام خمینی: ویژگی های فردی. ج ۱، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵.
- ۹- سلیمان، زهیر، «المدرسة الفيضيه»، (۱۴۰۴). التوحيد. سال دوم. ش ۱۱. بیروت: دارالمکتب العلمیه.
- ۱۰- صفری، فاطمه. (۱۳۷۸). امام خمینی، حقوق زنان نگاهي دوباره. مجله پیام زن، سال هشتم. شماره ۸۷.
- ۱۱- طوسی، ابو علی الفضل بن الحسن. (۱۳۶۰). التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی
- ۱۲- طبرسی، امین الاسلام ابوعلی فضل بن حسن (۱۴۱۵). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. گردآورنده: محمدرضا ضمیری. ج ۲، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ۱۳- علاءالدین، علی بن حسام (متقی هندی). (۱۴۰۹). کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ح ۴۵۴۳۹. بیروت: مؤسسه الرساله.
- ۱۴- علاءالدین، أبو الفضل أحمد (حجر العسقلانی المصری). فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۱۱، بیروت: دار المعرفه للطباعه و النشر.
- ۱۵- لطیفی، محمود. (۱۳۷۸). امام خمینی، شخصیت و کرامت زن، مجله پیام زن، سال هشتم. شماره ۸۷.
- ۱۶- مبلغ، محمد حسین. (۱۳۸۰). بررسی تطبیقی زن در نگاه جاهلیت، ادیان، اسلام و فمینیسم. فصلنامه پژوهش های قرآنی. شماره ۲۷ و ۲۸، پاییز و زمستان.
- ۱۷- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۹). بحار الانوار. ج ۱، ۵، ۷۰، ۱۰۳، بیروت: موسسه الوفا.
- ۱۸- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۷۹). میزان الحکمه. (ترجمه حمید رضا شیخی). ج ۹. قم: موسسه فرهنگی دارالحدیث.
- ۱۹- مهریزی، مهدی. (۱۳۷۸). امام خمینی و گستره آزادی زن. مجله پیام زن. سال هشتم. شماره ۸۷. خردادماه.
- ۲۰- نوری، حاج میرزا حسین (خاتم المحدثین). (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۶. بیروت، مؤسسه آل البيت الاحیاء و التراث،
- ۲۱- نیشابوری، مسلم. (۲۶۰-۲۶۱ هجری). صحیح مسلم، ج ۵، کتاب الجهاد، باب غزو النساء مع الرجال. ص ۱۹۶، کتاب الجهاد، باب: النساء الغازیات یرضخن لهن ولایسهم. بیروت: دارالفکر.
- ۲۲- ورعی، جواد. (۱۳۷۸). الگوی زن مسلمان، الگوی زن غربی. مجله پیام زن. سال هشتم. شماره ۸۷. خردادماه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی